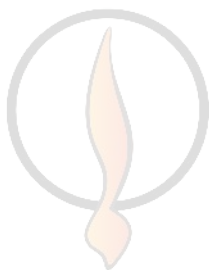
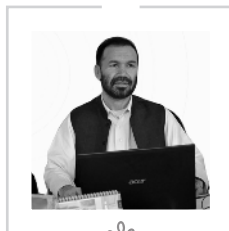


مرجعیت دین و ناسیونالیسم، تقابل یا تعامل؟



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴



□ قربان علی هادی

بحث صدور فتوا است؛ اما در مرجعیت سیاسی مدیریت امور و بحث صدور احکام ولایی و حکومتی مطرح است. مجتهد با نوع فتوا و بانفوذ شخصیتی خود بر افراد، موجی از همگرایی و ناسیونالیسم ملی و اسلامی را رقم می زند. امروزه فقاقت منظومه ای از امور دینی، اخلاقی و معنوی را شکل داده است که به آن مرجعیت دینی گفته می شود. دوره اواخر قرن نوزدهم میلادی به این طرف را، می توان با تسامح دوره رنسانس تمدن اسلامی عصر حاضر دانست؛ زیرا دین از حیث هویت بخشی به مسلمانان، مانند ناسیونالیسم قومی و نژادی؛ مبنای تحولات بزرگی در قالب جنبش های ضد استعماری شد. مسلمانان با ناسیونالیسم اسلامی یا پان اسلامیسم، آزادی کشورهای خود را رقم

مرجعیت دینی یا مجتهد مفتی، در امور دنیوی و معنوی مسلمانان تأثیرات جدی دارند. هر مسلمانی در صورت نیاز به راهنمایی در آن امور، از نگاه عقلی می تواند به متخصص امر یعنی مجتهد جامع الشرایط مراجعه کند. شکل گیری مرجعیت دینی، میان اهل تسنن و تشیع از قرن اول، ریشه در جریان اجتهادگرا، مقابل اخبارگرا دارد. در جریان اجتهادی، تقویت عقل در استنباط فروع از اصول مهم است؛ اما اخباری ها معتقد بر استفاده از متون دینی، بدون کدام تفسیر عقلانی از آن ها، بوده اند.

مجتهد از نگاه فقهی و سیاسی دارای مقام مرجعیت علمی و مرجعیت سیاسی است. در مرجعیت علمی

زند. در این راستا سؤالات اساسی این است که مرجع دینی کیست و شیوه‌های نفوذ آن در جامعه کدامند؟ سازگاری مرجعیت دینی با برخی گزاره‌های عقلی و سکولار در چیست؟ بین انسجام و همگرایی با فتاوای مرجعیت و همگرایی در ناسیونالیسم افراطی مذهبی چه سنخیت و حد مشترکی وجود دارد؟

پژوهش حاضر، به روش توصیفی تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع علوم اجتماعی، سیاسی و فقهی، برای یافتن پاسخ‌های معقول و منطقی به سؤالات فوق تلاش می‌کند. اگرچه در نگاه ابتدایی بین مرجعیت دینی و ناسیونالیسم ناسازگاری به چشم می‌خورد؛ ولی با مطالعه عمیق‌تری خواهیم برد که برخی از گونه‌های ناسیونالیسم چون ناسیونالیسم ضد استعمار و حقوق بشر دوستانه و... با مرجعیت دینی در موارد مختلف سازگاری زیادی دارند.

۱. مفهوم شناسی

الف. مرجع، مرجعیت دینی

مرجع؛ در لغت، واژه عربی مصدر میمی به معنای بازگشتن مکرر، اسم مکان محل رجوع دیگران، مرجع تقلید (محمد معین، ۱۳۹۱، ذیل رجع). مرجع، اصل یک چیز را گویند که می‌تواند معنوی و یا مادی چون کتاب‌های مرجع باشد و در نهایت آن چیز به اصل خود برگردد. مرجعیت مصدر جعلی و اسم مصدر است که به معنای محل رجوع بودن، مجتهد و مورد رجوع دیگران اطلاق شده است. (دهخدا، ذیل واژه مرجع).

اما از نگاه اصطلاحی، مرجع به مجتهدی اطلاق می‌شود که نسبت به دیگران اعلم باشد؛ یعنی دارای شرایط علمی، اخلاقی و تربیتی باشد که او را از دیگران ممتاز کند، به این فرد آیت‌الله و مرجع تقلید هم می‌گویند، که تقلید در این جا، پیروی از فتاوای مجتهد جامع‌الشرایط به حکم عقل و از باب رجوع به اهل خبره و متخصص است. مجتهد جامع شرایط و باصلاحیت افتاء را، به تسامح مرجعیت دینی (Religious Authority) می‌گویند؛ ولی در واقع مرجعیت دینی یک نهادی است که صدور فتوا، صدور حکم ولایی، جذب وجوهای

شرعی و رسیدگی به امور حسبه را به عهده دارد. تلاش و کشف احکام اسلامی از سوی مجتهد را اجتهاد می‌گویند، اجتهاد کلمه‌ای عربی از ماده «جهد» و باب افتعال به معنای به کار بستن تمام تلاش برای انجام دادن کاری است (فیومی، ۱۴۱۴، ۱۱۲/۱). در اصطلاح فقهی، تلاش علمی و روشمند جهت استنباط و استخراج وظایف شرعی مربوط به موضوعات و پدیده‌های فرعی، از اصول و قواعد و منابع شرعی و عقلی را اجتهاد گویند (نجفی، ۱۴۲۱ق، ۲۸۹/۱). فتوا از هر مجتهدی اعتبار ظنی دارد و هیچ اجتهادی حکم قطعی خداوند به شمار نمی‌رود.

در بین اهل تسنن، به جایی «مرجع» بیشتر از مفهوم «مفتی» و «مجتهد» استفاده می‌شود، در اصطلاح مفتی همان مجتهد مطلق است. آنان اجتهاد را مخصوص گروهی از علما می‌دانند که به شناخت احکام فرعی عملی از ادله تفصیلی دست یافته‌اند که امامان مذاهب اربعه‌اند و به آنان مجتهد مطلق و بقیه را «مقلدان» گویند، افراد عادی از این‌ها در انجام احکام اسلامی تقلید می‌کنند. (پاکتچی، ۳۶۷: ۸/۴۵۵).

یکی از علمای اهل سنت می‌گوید، مجتهد مفتی سرچشمه احکام و پناهگاه مردم در توضیح حلال و حرام است و دارای اوصاف بلوغ، عاقل، عادل، آشنا به زبان و ادبیات عربی، شناخت قرآن با تفسیر، مفردات و ناسخ و منسوخ آن، شناخت حدیث، آگاه به علم نحو و آشنا با علم اصول فقه است. (عبدالله بن بیه، ۱۳۹۰)

ب. مفهوم ناسیونالیسم

ناسیونالیسم (Nationalism) در لغت مشتق از (Nation) به معنای «ملت»، مرکب از ناسیون زبان فرانسوی (Naissance) به معنای زاده شدن و از ایسم (Ism) به معنی شناختن است (محمود طلوعی، ۱۳۷۲: ۸۷۲). ناسیونالیسم یا ملت‌باوری، نوعی آگاهی جمعی در سطح ملی است (همان) آگاهی ملی اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، همبستگی و دل‌بستگی افراد زبان، نژاد، قوم و... می‌شود.

در اصطلاح ناسیونالیسم عقیده‌ای است که بر اتحاد،

و نهضت ناسیونالیسم جدید است (بهزادی، ص ۱۴۷) که با کمک این نوع ناسیونالیسم، ملت‌ها خود را از دست استعمار رهایی دادند.

ب. ناسیونالیسم یا انترناسیونالیسم اسلامی؛ این واژه، مفهوم فراتر از احساس منطقه‌ای را ایجاد می‌کند. نهضت همگرایی اسلامی یا ناسیونالیسم اسلامی، از سده ۱۳ هـ ش به عنوان «اتحاد اسلام» یا «پان‌اسلامیسم» (PanIslamism) در راستای کمک به محرومان و مظلومان، در قالب همگرایی جهانی یا انترناسیونالیسم اسلامی معروف شد. پان‌اسلامیسم در پی برتری سیاسی بر سراسر جهان نبود؛ بلکه به هدف رهایی جهان اسلام از سیطره استعمار بود (الکساندر ماتیل، ۳/ ۱۰۵۷). سید جمال‌الدین افغانی، اقبال لاهوری و... منادیان تجدید حیات دینی بودند که باعث تحول سیاسی، اجتماعی و فکری مسلمانان شد (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۴/ ۳۱).

ج. ناسیونالیسم ملی؛ این گرایش با ترویج ملی‌گرایی به معنای میهن‌دوستی با حفظ حرمت و حقوق دیگران، نه تنها مذموم نیست؛ بلکه می‌تواند باعث ایجاد باورهای مشترک در جهت شکل‌گیری و استحکام یک ملت شود و از همه مهم‌تر در هنگام خطر باعث اتحاد اقوام و احزاب در کشور شده و موجب نجات میهن خود از خطر می‌شوند (داریوش آشوری، ۱۳۷۳: ۳۲۰).

اگر در صدد نفی دیگران برآیند منفی و مذموم است.

د. ناسیونالیسم بشر دوستانه؛ این نخستین نوع است که بر اساس نظریه‌های قرن هجدهم، ملهم از روح روشنگری و استوار بر حقوق طبیعی بوده‌اند (اوزکریملی، ۵۴). این گرایش برای حمایت از اشخاص گرفتار در جنگ‌ها و نزاع‌ها شکل می‌گیرد.

۲. ناسیونالیسم منفی

اگر ناسیونالیسم از یک علاقه ساده طبیعی به وطن، نژاد، قوم، ملیت و... فراتر رفته و به عنوان یک آرمان افراطی همراه با عصبیت کور در صدد تخریب و نفی دیگران باشد، ناسیونالیسم منفی خواهد بود. انواع ملی‌گرایی منفی را در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. ناسیونالیسم توسعه طلب؛ گرایش توسعه طلبانه

پذیرش باورها و نمادهای خودی، یکجاشدن و همگرایی جهت دوست داشتن و یارپرستش ملت، کشور، مذهب، نژاد، قوم و... تأکید ویژه دارد. ناسیونالیسم به معنی ملی‌گرایی و نژادپرستی آمده است (نوروزی، ۱۳۸۰، ۸۲) و به علایق وطن‌پرستی یا وطن‌دوستی نیز تعریف می‌شود (ریچارد کاتم، ۱۳۷۱، مقدمه). نگاه ناسیونالیستی که از قرن سیزدهم میلادی معمول بوده است و به گروهی از مردم که زادگاهی یکسانی داشتند اطلاق می‌شد. ناسیونالیسم اولین بار در ۱۷۸۹ توسط آگوستین بارائل کشیش ضدانقلابی فرانسوی استعمال شد Andrew Heywood, p. ۱۹۹۸, ۱۵۲).

ناسیونالیسم به طور کلی از نگاه پیامدها و آثار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دودسته مثبت و منفی قابل تقسیم است که در ادامه به کوتاهی مرور می‌کنیم.

۱. ناسیونالیسم مثبت

اگر ملی‌گرایی در حد محبت و علاقه مندی به سرزمین، ملیت و مذهب خویش، بدون احساس برتری، تبعیض و احترام به منافع آزادی‌های دیگران باشد، ناسیونالیسم مثبت خواهد بود، که در درون مرزها از آن می‌توان به عنوان وحدت ملی یاد کرد.

الف. ناسیونالیسم ضد استعمار؛ در یک مفهوم، ناسیونالیسم به احساس میهن‌دوستی و تمایل به آزادی‌های ملی جایگاه خود را نشان داد (معظم‌پور، ۶۴). انقلاب‌های ضد امپریالیستی و تحولاتی منجر به استقلال، یکی از عوامل عمده آن اصل خودمختاری

اگر ناسیونالیسم از یک علاقه ساده طبیعی به وطن، نژاد، قوم، ملیت و... فراتر رفته و به عنوان یک آرمان افراطی همراه با عصبیت کور در صدد تخریب و نفی دیگران باشد، ناسیونالیسم منفی خواهد بود.

ناسیونالیسم، نشان از نظامی‌گری، توسعه‌طلبی و خودکامگی جمعی نسبت به دیگران دارد. در این نگاه اشخاص در پی منافع توسعه‌ای خود در راستای نفی دیگران تلاش می‌کنند.

ب. ناسیونالیسم توتالیتر؛ یا انحصارگرا (Exclusivist) نوعی از ناسیونالیسم است که با جانب‌داری از مذهب، نژاد، قوم و... کسانی دیگر غیر خود را واجد شرایط امکانات و فرصت‌های ملی نمی‌داند و آن‌ها را از شهروندی کامل و امتیازات محروم می‌دارد (داریوش آشوری، ۲۴).

ج. ناسیونالیسم مذهبی افراطی؛ افراطیون مذهبی با همبستگی درونی، پیروان دیگر ادیان و مذاهب را، مستحق مرگ می‌دانند، خود تلاش می‌کنند با همین ایدئولوژی برای مقاصد افراطی و حذف دیگران دورهم جمع شوند. افراطیون مذهبی چون القاعده، داعش، طالبان، بوکوحرام، النصره و... با استفاده از علمای فاقد شرایط اجتهاد، از دین جهانی و انترناسیونالیسم اسلامی سوءاستفاده کرده‌اند و اعمال وحشیانه‌ای را همیشه مرتکب شده‌اند.

د. ناسیونالیسم قومی نژادی؛ این نوع، برتری قومی را نسبت به سایر اقوام کشور مدنظر داشته چه بسا با شیوه‌های مختلف در صدد حذف اقوام دیگر برمی‌آید. آنان با تأکید بر خاطره‌های جمعی زبان، فرهنگ و... برای تشکیل یک اجتماع سیاسی ملی، اصرار می‌ورزد (ماتیل، ۱۳۸۴، ۵۷۴). ناسیونالیسم نژادی نوعی انکار حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی دیگران است. آنان بر این باورند که دیگران پست هستند و باید در خدمت اهل پیشه قرار بگیرند (گیرنا، ۱۳۷۸: ۱۴۹).

۲. جایگاه مرجعیت دینی و ناسیونالیسم در فقه و سیاست

مراجع دینی اعلم و پارسا، با اوصاف نیکو و نفوذ معنوی که در جامعه اسلامی دارند، از نگاه فقه و علوم سیاسی ولی امر و زعیم مسلمین هستند؛ زیرا آنان با عملکرد و راهنمایی نیک خود می‌توانند به درستی در بین جامعه محبوبیت اجتماعی و

مشروعیت سیاسی به دست آورند.

الف. ویژگی‌ها و اوصاف مجتهد در فقه

فقه و کلام اسلامی در تفکر شیعه و سنی، مجتهد را دارای شرایط و اوصاف خاصی می‌دانند که به صورت گذرآمرور می‌کنیم.

۱. اهل تشیع؛ شرایط علمی چون فهم قرآن، شناخت حدیث و فقه، ادبیات عرب، اصول فقه، منطق، رجال و کلام، آشنایی به مسائل مستحدثه‌ای روز اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی جهان و دنیای اسلام، مرد بودن، طهارت مولد، بلوغ و عقل (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲۶/۱)، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده و مرد بودن در منابع فقهی مطرح شده‌اند. علاوه بر این، پارسایی، عدالت، صیانت نفس، حافظ دین، مطیع امر پروردگار بودن (حر عاملی، ۲۷، ۱۳۱) و آگاه به شرایط، از اوصاف مهم مجتهد هستند.

۲. اهل تسنن؛ شرایط بلوغ، عقل، عدالت، آشنا به ادبیات عربی، شناخت قرآن و حدیث، آشنایی به علم نحو و اصول فقه مورد تأکید این دیدگاه هستند (عبدالله بن بیه، ۱۳۹۰). تمام فقهای اهل سنت اتفاق دارند که وجود یک امام و حاکم برای مسلمانان واجب است. یکی از ویژگی‌های امام حاکم اسلامی این است که باید مجتهد و آگاه به شرایط زمان باشد، تا مردم را از احکام دین آگاه کند (الجزیری، ۵ج / ۳۱۷ - ۳۱۶).

ب. ولایت فقها بر امور جامعه

اهل تشیع و تسنن معتقدند که مجتهد جامع‌الشرایط، به نوعی بر مردم ولایت دارد، فتاوا و احکام آن به خاطری که از منابع شرعی گرفته شده‌اند، دارای نفوذ و اهمیت خاصی است. در تفکر فقهی و کلامی شیعه و سنی، قدر متیقن این است که مجتهد جامع‌الشرایط ولی و حاکم باشد؛ اما در صورت اضطرار و نبود آن، به مجتهد غیراعلم ولی متقی و پارسا، می‌توان اکتفا کرد. این دو تفکر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. اهل تشیع؛ ولایت مطلق به معنی حق حاکمیت مطلق در همه امور اختصاص به «خداوند» دارد،

چه منفی بیشتر در محدوده خاص چون کشور، قوم، نژاد، گروه و یا حزب قرار دارد.

اگر ناسیونالیسم در مفهومی وسیع‌تر از یک احساس ملی، منطقه‌ای، گروهی و... چون ناسیونالیسم عرب، ناسیونالیسم آفریقا و... شکل گرفته و برای تخریب و توطئه علیه دیگران باشد، موردپسند اسلام نیست. ناسیونالیسم اسلامی، جنبش همگرایی جهانی اسلامی است که در دفاع از مظلومان در سطح بین‌المللی شکل گرفت؛ اما بیداری ملی عرب (پان‌عربیسم) و پان‌ترکیسم برای ترویج قومیت در بیروت و... به هدف قوم‌پرستی در قالب ناسیونالیسم نژادی به وجود آمد که به اصول اسلامی سازگار نیست (ماتیل، ج ۳ / ۱۰۵۸).

در مقابل، اسلام به حکم منطق عقلانی و حیانی خود، همه جامعه بشری تحت حمایت او است، طبق فرمایش پیامبر اسلام (ص) هیچ عربی بر عجم برتری ندارد و نیز سفید بر سیاه و یا سیاه بر سفید فضیلتی ندارد، مگر این که یکی با تقواتر باشد.

۳. مرجعیت دینی و ایجاد تحول فکری سیاسی با ناسیونالیسم

مرجعیت دینی، مهم‌ترین نهاد دینی مذهبی مسلمانان است که مسائل سیاسی، بسیج عمومی دفاعی، تأمین عدالت، حل مسائل فقهی حقوقی، رسیدگی به وجوهات شرعی و امور حسبه، مورد توجه جدی قرار می‌گیرد. مرجعیت دینی باعث نفوذ به مردم و بسیج عمومی توده‌ها می‌شوند که با ناسیونالیسم در این امر مشترک است. در ادامه نمونه‌هایی از چگونگی نفوذ مرجعیت در جوامع را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. نفوذ ملی و بین‌المللی فتاوی مجتهدین با ناسیونالیسم

نفوذ یک مرجع، ناشی از اوصاف، دقت در مصارف بیت‌المال و تقوای او است؛ اما فقیهی عاری از شرایط اجتهاد، پیروان اندک خود را گمراه خواهد کرد.

مشروعیت دیگر ولایت‌ها از ارتباطی با ولایت خدا تأمین می‌شود. ولایت امر از ناحیه خدا به پیامبر (ص) تفویض، سپس به دوازده امام معصوم (ع) و در عصر غیبت امام زمان (عج)، به فقها و مجتهدین جامع‌الشرایط از باب نیابت عام رسیده است. دلایل شرعی بر ولایت امری مجتهد جامع‌الشرایط، روایاتی است که امام صادق (ع) مجتهد را بر ما «حاکم» قرار داده است (وسائل الشیعه، ۹۹ / ۱۸) و روایتی دیگری از امام مهدی (عج) آمده است که روایان حدیث و فقها را بر مسلمانان حجت قرار داده‌اند.

۲. اهل تسنن؛ تمام فقهای اهل سنت اتفاق دارند که وجود امام برای مسلمانان واجب است تا در پرتو آن شعایر دین برپا داشته شده و حق مظلوم از ظالم گرفته شود. آنان معتقدند که حاکم اسلامی مسلمان، مکلف، مجتهد و آگاه به شرایط زمان باشد (الجزیری، ۳۱۷ / ۵) جمهور اهل سنت بر آنند که شخصی سزاوار رهبری جامعه اسلامی، باید در اصول و فروع، مجتهد باشد (حسینی میلانی، ص ۴۹). به طور کلی می‌توان سه نوع مقام را برای مجتهد در نظر گرفت.

یک. هرگاه مجتهدی که جامع‌الشرایط است، در مقام ولایت افتاء حکمی صادر کند، حکم صادره از سوی آن را «فتوا»ی شرعی گویند، که برای مقلدین وی لازم‌الاجرا است؛ ولی دیگران هم می‌توانند به فتوای او عمل کنند.

دو. اگر مجتهدی در مقام قضاء باشد، حکم صادره از سوی آن را حکم قاضی و یا قرار گویند، که فقط برای طرفین دعوا حجیت دارد و لازم‌الاجرا است.

سه. ولی اگر مجتهد جامع‌الشرایط در مقام ولایت امر باشد و حاکم یک کشور اسلامی باشد، حکم صادره از سوی وی را حکم حکومتی گویند که برای همه اتباع یک کشور و چه بسا در موارد مصالح عمومی برای همه مسلمانان لازم‌الاجرا است.

ج. ناسیونالیسم مثبت و منفی در تفکر دینی

دایره نگاه دینی در حمایت از انسان و تشکیل حکومت، جهان شمول است؛ اما دایره ناسیونالیسم چه مثبت و

۱. نفوذ ملی فتوای مجتهد در افغانستان با ناسیونالیسم اسلامی

بعضی از مراجع دینی با دفاع و ترویج آموزه‌های اسلامی و دعوت همه به انسانیت و پارسایی باعث ایجاد موج همگرایی در قالب ناسیونالیسم اسلامی می‌شوند. آیت‌الله محقق کابلی در ایجاد وحدت مذاهب اسلامی و هم‌سویی بین احزاب شیعه و سنی در افغانستان بسیار کوشید و طی یک فتوایی، توهین به مقدسات اهل سنت را حرام دانست و وحدت اسلامی را از اوجب واجبات خواند (محقق کابلی، ۱۴۳۱ ه.ق) که این امر باعث وحدت ملی با ناسیونالیسم ملی می‌شود.

ایشان عملیات تروریستی و کشتار مردم پاکستان را که قریب صد نفر مظلومانه شهید و مجروح شدند، محکوم کرد. از علمای جهان اسلام، مراجع عظام تقلید، رؤسای حکومت‌های اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل، حقوق بشر و سایر مجامع جهانی، خواست که به خاطر حفظ کرامت انسانی، پاکستان را در قطع چنین جنایاتی تحت فشار قرار بدهند... (محقق کابلی، ۱۴۳۴). پیام روشن ایشان، تأکید بر انسجام مسلمانان در دفاع از مظلومان و مقدسات در قالب ناسیونالیسم اسلامی است.

۲. نفوذ فتوای مجتهدین در ایران با ناسیونالیسم ملی



مرجعیت دینی به ویژه مراجع شیعه به‌طور معمول بر مقلدان و پیروان خود و بلکه بر غیر پیروانش نفوذ دارند.

به‌عنوان نمونه با فتوای سید محمد مجاهد گروه زیادی ^{پیشه} از شیعیان به جنگ علیه روسیه رفتند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۴، ۱۳۸۲، ۹۹). صدور فتوای تحریم تنباکواز عراق، توسط میرزای شیرازی ناسیونالیسم ملی را در ایران رقم زد که منجر به لغو امتیاز تنباکو در ایران شد (همان، ۱۰۲). نهضت مشروطه در ایران با فتوای آخوند خراسانی و فقهای دیگر نجف، به پیروزی رسید (ذبیح‌زاده، ۱۳۸۶، ۳/۳۰۰). به‌طور کلی می‌توان گفت مردم ایران به رهبری آیت‌الله خمینی به وحدت اسلامی و همبستگی ملی دست یافتند که باعث پیروزی آنان در

۲۲ دلو ۱۳۵۷ علیه نظام شاهنشاهی شد.

۳. نفوذ فتوای مجتهدین در عراق با ناسیونالیسم ملی

علمای شیعه عراق در سال ۱۲۹۳ هـ.ش تلاش کردند که این کشور، تحت مستعمره انگلستان قرار نگیرد. فتوای مراجع ساکن نجف در همان سال معروف به «جهادیه» صادر شد که مبارزات تا زمان قیام ۱۹۲۰ عراق ادامه یافت. شیخ مهدی خالصی در کاظمین بر جهاد اصرار ورزید و فتوایی درباره لزوم دفاع از کشورهای اسلامی صادر کرد. میرزا محمد تقی شیرازی در سامرا بعد از فتوای حرمت فرمانروایی غیرمسلمان بر مسلمان (الحسنی، ۱۹۸۳، ۷۴) به وجوب جنگ با انگلیسی‌ها فتوا داد: «... در صورتی که انگلیس‌ها از قبول خواسته‌های مردم امتناع کنند، بر مردم جایز است که برای دفاع، متوسل به زور و قوت بشوند» (الحسنی، ۱۹۸۳، ۱۰۴). بدین سان، فقها و مردم عراق با انسجام و هم‌پیمانی خود، بزرگ‌ترین ناسیونالیسم ملی را در عراق رقم زد، این انقلاب عراقی‌ها به «ثورة العشرین» معروف شد.

اهل تشیع و تسنن معتقدند که مجتهد جامع‌الشرایط، به نوعی بر مردم ولایت دارد، فتاوا و احکام آن به‌خاطری که از منابع شرعی گرفته شده‌اند، دارای نفوذ و اهمیت خاصی است. در تفکر فقهی و کلامی شیعه و سنی، قدر متیقن این است که مجتهد جامع‌الشرایط ولی و حاکم باشد؛ اما در صورت اضطرار و نبود آن، به مجتهد غیر اعلی ولی متقی و پارسا، می‌توان اکتفا کرد.

۴. نفوذ بین‌المللی فتاوی مجتهدین با ناسیونالیسم اسلامی

یک فتوای روح‌الله خمینی مبنی بر اعدام سلمان رشدی به خاطر ارتدادش در تدوین و چاپ کتاب آیات شیطانی و توهین به اسلام، قرآن و پیامبر اکرم (ص)، موجی از ناسیونالیسم اسلامی ایجاد کرد، این حکم مورد قبول و استقبال قاطبه علمای اسلام در سراسر جهان و ملت‌های اسلامی قرار گرفت. آیات شیطانی (Satanic verses)، مسئله رسالت پیامبر اکرم (ص) و نزول آیات الهی را به صورت بسیار توهین‌آمیز و مسخره‌وار مطرح کرده بود و نزول آیات الهی را مربوط به تلقینات شیطانی معرفی کرده بود و اصلی‌ترین ضروریات دین مبین اسلام را انکار کرده بود. مطابق روایات متعددی از معصومین (ع) چنین فردی کافر و مرتد شده است و کشتن آن، واجب است (وسائل الشیعه، ۱۸، ۵۵۵).

بنابراین روح‌الله خمینی، فتوایی را در سال ۱۳۶۷ ش. مبنی بر اعدام سریع سلمان رشدی صادر کرد و گفت که مسلمانان سراسر جهان باید، مؤلف کتاب آیات شیطانی و هم ناشرین مطلع از محتوای آن را در هر جا یافتند، سریع اعدام کنند (خمینی، ۱۳۷۶: ۲۱/۸۶). دو شیخ محمود شلتوت، یکی از فقهای برجسته مصر طی فتوایی عمل به فقه شیعه را، همچون عمل به فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت، دانسته است (جلالی، مجله حوزه، ش ۱۲۴، ۴). این فتوا تحول عظیمی در افکار بسیاری از اهل تسنن در سطح بین‌الملل گذاشت و الفتی بین شیعه و سنی در قالب ناسیونالیسم اسلامی ایجاد کرد (بی‌آزار شیرازی، مجله پگاه حوزه، ج ۱۳/ ۵).

ب. نفوذ فتاوی علمای غیرمجتهد با ایجاد ناسیونالیسم ملی

۱. فتوای جهاد علیه انگلیسی‌ها در افغانستان؛ در ۱۲۵۴ ق / ۱۸۳۹، انگلیسی‌ها به بهانه حمایت از شاه شجاع به افغانستان تاختند که موجب نفرت افغانستانی‌ها از انگلیسی‌ها شد. ملا عبدالله فاضل قندهاری در مساجد و تکایای کابل، طی فتوایی عموم مردم از شیعه و سنی را به وحدت و جهاد علیه انگلیسی‌ها دعوت کرد. بر اثر فتوای

جهاد او و دیگر علمای افغانستان، مردم انسجام ملی خود را باز یافتند، اشغالگران قریب به ۱۷۵۰۰۰ نفر، به جز یک نفر، همه کشته شدند (ناصری داودی، ۱۳۷۹: ۱/۱۲۷).

۲. فتوای لغو بردگی هزاره‌ها توسط علامه فیض محمد کاتب؛ از زمان تسلط امیر عبدالرحمان بر هزارستان تا زمان امان‌الله خان ۱۹۲۳ م ۱۳۰۲ ش، تعداد زیادی از هزاره‌ها به عنوان برده، زندگی می‌کردند و سرانجام که به فتوای ملا فیض محمد کاتب هزاره نظام بردگی لغو شد، به همین جهت هزاره‌ها از امان‌الله در جنگ علیه حبیب‌الله کلکانی حمایت کردند (یزدانی، ۱۳۷۰: ۳).

۳. جمعی از عالمان دینی افغانستان در ۲۴ دلو ۱۳۵۷ در شهر پیشاور پاکستان دورهم جمع شدند، فتوای جهاد را علیه دولت کابل صادر کردند (خلاصه تاریخ افغانستان، <https://fa.wikipedia.org/wiki/>). این فتوا از نگاه دینی و ملی نفوذ خود را داشته است که عده‌ای را به شکل ناسیونالیسم ملی علیه دولت وقت کابل، به سنگرهای جهاد کشاند.

۴. فتوای جهاد سیاف علیه طالبان؛ سیاف پلیس ملی را «مجاهد» و مدافعان وطن و قربانیان نبرد با طالبان را «شهید» و انتحار در اسلام را حرام دانسته است (بخدی؛ ۱۰۸۴۲ / <http://bokhdinews.af/> / special-report).
ناسیونالیسم ۱۳۹۴

۵. در سال ۱۳۹۷ صدها نفر از علمای دینی از سراسر افغانستان در کابل جمع شدند و با استناد به آیات قرآن و احادیث فتوا دادند که جنگ جاری افغانستان ناجایز و ناروا است (۱/۳/۱۳۹۷). این فتوا تأثیرات ملی برجای گذاشت و مردم بیشتر بر بطلان تروریست‌های طالب و داعش و... پی بردند و علیه آن‌ها آماده شدند.

ج. عالمان فاقد شرایط اجتهاد و سوءاستفاده از فتوا

۱. فتوای مهدور الدم بودن هزاره‌ها؛ عبدالرحمان خان چندین فتوا بر کفریت هزاره برای قتل عام آنان از علمای درباری گرفت. سید محمود قندهاری را تشویق کرد که کتابچه و اعلانی برای عوام مبنی بر تکفیر هزاره‌ها انشاء کنند، مشروط بر این‌که در عنوانات مندرجه آن، دلایل

بعضی آیات قرآنی نبوی رانص کنند (ریاضی، ۱۳۶۹: ۲۲۱). در سنه ۱۳۱۰ هجری قمری، مطابق ۱۸۹۳ میلادی ملا سید محمد، فتوای خود را صادر کرد (ریاضی، ۱۳۶۹: ۲۲۵). بدین ترتیب، حکم مهدورالدم بودن هزاره‌ها در تمام نقاط افغانستان پخش شد و بیش از ۶۲٪ مردم هزاره قتل عام، آواره و به بردگی گرفته و نابود شدند.

۲. **فتوای برهان‌الدین ربانی مبنی بر تکفیر مارشال دوستم؛** در زمان حکومت ربانی، وی با دایر کردن شورای اهل حل و عقده حکومت خویش را تمدید کرد، کارش از نگاه بسیاری از مردم و احزاب سیاسی غیر مشروع بود. استاد ربانی، با اعلام جهاد و فتوای سیاسی دوستم را کمونیست کافر قلمداد کرد (مزاری، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

۳. **فتوای قتل عام شیعیان توسط طالبان در مزار شریف؛** علی رضا طاهری خبرنگار بی بی سی، درباره قتل عام در مزار شریف می‌گوید من دست‌نوشته‌هایی از فتوای ملا عمر را دیدم که در آن نوشته بود؛ مردها و کودکان رافضی‌ها و شیعیان را بکشید و زنان و دختران شان را به بردگی و کنیزی بگیرید و اموال شان را تصاحب کنید» (روزنامه خراسان، ۱۳۷۷). مولوی نیازی، در مسجد جامع مزار شریف: هزاره‌ها مسلمان نیستند و ما باید آنان را بکشیم، یا باید مسلمان شوید و یا افغانستان را ترک کنید» (رشید، ۱۳۷۹: ۱۲۵).

۴. نتیجه‌گیری

مرجعیت دینی، با اصول اخلاقی و تربیتی باعث جلب اعتماد اشخاص می‌شوند و آن‌ها را هدایت و پرهیزی پدیده می‌کنند. مبانی و اهدافی مرجعیت دینی، با مبانی^{۱۳۹۴} برخی از گونه‌های ناسیونالیسم چون ضد استعمار، اصلاح طلب، حقوق بشردوستانه و... تا حدودی سازگار و متعامل هستند. جنبه‌های مثبت ناسیونالیسم از نظر مرجعیت دینی مذموم نیست، ناسیونالیسم آن‌گاه محکوم است که جنبه منفی به خود گیرد؛ ولی مرجعیت دینی، با ناسیونالیسم منفی چون افراطی مذهبی، توتالیتر و نژادی هماهنگی ندارد. نفوذ مرجعیت دینی با ایجاد ناسیونالیسم مثبت

باعث انسجام ملی و رهایی کشورها از سلطه استعمار شده است؛ اما برخی از عالمان غیرپارسا و سوءاستفاده‌گر از مقام مرجعیت، تاکنون در افغانستان با تزریق افراطیت مذهبی قومی باعث ایجاد ناسیونالیسم قومی، مذهبی شده‌اند و موجب قتل و کشتار با فتاوای دروغین خود شده‌اند و مردم روی صلح، آرامش و آسایش راندیده‌اند.

پیشنهاد می‌شود که نهادهای ملی و مدنی از رشد و توسعه مرجعیت دینی سالم در افغانستان پشتیبانی کنند، دیدیم که مرجعیت کمک بزرگی در رشد و بالندگی مادی و معنوی کرده‌اند. مرحوم آیت‌الله محقق کابلی و آیت‌الله فیاض از مجتهدین برجسته جهان تشیع، خدمات ارزشمند علمی، تربیتی، فرهنگی و... به مردم افغانستان کرده‌اند. □

منابع

۱. ابن فزاع، ابویعلی محمد بن حسین (۱۴۰۸) الأحكام السلطانیة، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
۲. اوزکرملی، اوموت (۱۳۸۳)، نظریه‌های ناسیونالیسم، محمدعلی قاسمی، تمدن ایرانی، تهران.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید.
۴. آصف، محمد (۱۳۸۴)، مبانی ایدئولوژیک حکومت، در دوران پهلوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
۵. بخدی؛
<http://bokhdinews.af/special-report,10842>
۶. بهزادی، حمید (۱۳۵۴)، ناسیونالیسم، مؤسسه حساب، تهران.
۷. بیانیه‌ها و فتاوای آیت‌الله محقق ۱۴۳۱ هـ. ۱۳۹۱/۱۲/۳ مطابق با ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۴.
۸. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۷)، همبستگی مذاهب اسلامی، نشر: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران.
۹. پاکتچی، احمد (۱۳۶۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. جزیری، عبدالرحمن (۱۸۸۲) الفقه علی المذاهب

۲۴. کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، احمد تدین، کویر.
۲۵. گروه پژوهش سینا، (۱۳۸۱)، افغانستان در سه دهه اخیر، قم، مؤسسه فرهنگی تقلین.
۲۶. گبیرنا، مونتسرات (۱۳۷۸)، مکاتب ناسیونالیسم، امیرمسعوداجتهادی، انتشارات وزارت خارجه، تهران.
۲۷. ماتیل، الکساندر (۱۳۸۴)، دایرة المعارف ناسیونالیزم، ج ۱، مترجمان: کامران فانی، محبوبه مهاجر، تهران، وزارت خارجه.
۲۸. مزارى، عبدالعلى (۱۳۷۴)، احیای هویت، قم، مرکزفرهنگی نویسندگان افغانستان
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ج ۲۴.
۳۰. معظم پور، اسماعیل (۱۳۸۳)، نقد و بررسی ناسونالیزم تجددخواه در عصر رضاشاه، مرکزاسناد انقلاب اسلامی، تهران.
۳۱. ناصری داودی، عبدالمجید (۱۳۷۹)، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۲. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴، بیروت لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. نقیب زاده، سیداحمد (۱۳۸۲)، نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکزاسناد انقلاب اسلامی.
۳۴. یزدانی، حسین علی (۱۳۷۰)، صحنه های خونینی از تاریخ تشیع در افغانستان، مشهد، مینا.
۱۱. جلالی، غلامرضا، جایگاه سید شرف الدین در تقریب مذاهب اسلامی، مجله حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی قم شماره ۱۲۴.
۱۲. حسنی، عبدالرزاق (۱۹۸۳) ثورة النجف، صیدا، مطبعة العرفان.
۱۳. حسینی میلانی، علی (۱۴۱۳) الامامه فی اهم الكتب الكلامیه، قم، انتشارات مهر.
۱۴. خبرگزاری جمهور، انحصاری کردن جهاد یا سلب مشروعیت از جهادی ها؟ شنبه ۱۵ میزان ۱۳۹۶
۱۵. خلاصه تاریخ افغانستان، <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۱۶. خمینی، روح الله (۱۳۷۴)، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۷. رشید، احمد (۱۳۷۹)، طالبان اسلام، نفت و بازی بزرگ، تهران، انتشارات دانش هستی.
۱۸. روزنامه خراسان (۱۳۷۷)، شماره روزیکشنبه ۶.
۱۹. ریاضی، محمد یوسف (۱۳۶۹)، تاریخ افغانستان در سال های ۱۲۰۷-۱۳۲۴ق، تهران، عین الوقایع
۲۰. شیخ عبدالله بن بیه (۱۳۹۰)، صنعت فتوا واحکام اقلیت ها، مترجم: عبدالظاهر سلطانی، تهران، نشر احسان.
۲۱. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹)، العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۲. علی نورایی یگانه، روزنامه رسالت چ ایران، ش ۶۵۵۱ به تاریخ ۲۷/۷/۱۳۸۷
۲۳. فیومی، مصباح المنیر، ۱۴۱۴ق، ج ۱.